

## مقایسه‌ی وضعیت هویت‌یابی در دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع پیش‌دانشگاهی استان خوزستان

دکتر مرتضی امیدیان

m.omidian@yazuni.ac.ir

استادیار دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه یزد

دکتر حسین شکرکن

shokrkon\_h@yahoo.com

استاد دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز

### چکیده

این پژوهش برای مقایسه وضعیت هویت‌یابی در دانش‌آموزان دختر و پسر پیش‌دانشگاهی استان خوزستان اجرا شد. ۵۰۰ دانش‌آموز دختر و پسر به صورت تصادفی انتخاب و با شکل تجدیدنظرشده‌ی آزمون هویت بنیون و آدامز آزمون شدند. آزمودنی‌ها در حالت‌های هویت سردرگم، زود هنگام، مهلت‌خواه و کسب‌شده در هویت کلی، بعد اعتقادی و بعد روابط بین‌فردی و حوزه‌های فرعی این دو بعد باهم مقایسه شدند. از نظر هویت کلی، تنها در هویت سردرگم تفاوت دوجنس معنادار بود و پسران نمره‌ی بالاتر از دختران داشتند. در بعد اعتقادی، در هیچ حالتی تفاوت معنادار نبود ولی در روابط بین‌فردی نمره‌ی هویت سردرگم در پسران بیش‌تر بود. در حوزه‌های فرعی، بعد اعتقادی، در حوزه‌ی سیاست و در حالت هویت سردرگم نمره‌ی دخترها و در هویت زود هنگام نمره پسران بیش‌تر بود. در حوزه‌ی مذهب، حالت سردرگم در پسران بیش‌تر بود و در حوزه‌ی ملیت در دو حالت کسب‌شده و زود هنگام نمره‌ی دخترها بیش‌تر بود. در حوزه‌های فرعی، بعد روابط بین‌فردی، پسران در حوزه‌ی نقش جنسی و در حالت‌های هویت سردرگم و زود هنگام نمره‌ی بیش‌تری در مقایسه با دخترها داشتند و دخترها در حالت کسب‌شده بر پسران برتری داشتند. در حوزه‌های اوقات فراغت و معاشرت، نمره‌ی حالت سردرگم پسران از دخترها بیش‌تر بود. در حوزه‌ی دوستی، نمره‌ی حالت هویت مهلت‌خواه در دخترها بیش‌تر از پسران بود. نتایج با توجه به دیدگاه ماریسا و اریکسون بررسی شد.

**کلیدواژه‌ها:** هویت‌یابی؛ جنسیت؛ هویت سردرگم؛ هویت زود هنگام؛ هویت مهلت‌خواه؛ هویت کسب‌شده؛

## مقدمه

فرآیند هویت‌یابی، از دیدگاه اریکسون (۱۹۶۸) و ماریسیا<sup>۱</sup> (۱۹۶۶)، در چهار حالت هویت سردرگم، زودهنگام، مهلت‌خواه و کسب‌شده<sup>۲</sup> انجام می‌پذیرد. شخص سردرگم، فاقد دو عنصر ضروری در هویت‌یابی، یعنی جست‌وجوگری و تعهد است. فردی که در حالت زودهنگام است، بدون جست‌وجو به مواردی تعهد دارد و این تعهد با توجه به انتخاب‌های افراد مهم زندگی او هستند. در حالت هویت مهلت‌خواه، فرد در حال جست‌وجو میان پدیده‌های مختلف است و هنوز تعهدی به دلیل انتخاب قطعی در او ایجاد نشده‌است. در هویت کسب‌شده نیز، فرد با جست‌وجو به انتخاب مشخصی رسیده و به آن پای‌بند و متعهد است. تفاوت‌های جنسیتی در هویت‌یابی، یکی از موضوعات بحث‌انگیز است. اریکسون<sup>۳</sup> (۱۹۶۸)، فرآیند هویت‌یابی را در دو جنس یک‌سان نمی‌داند. آرچر<sup>۴</sup> (۱۹۸۹)، در مطالعه‌ی به روش مصاحبه‌ی نیمه‌سازمان‌یافته‌ی ماریسیا (۱۹۶۶)، نشان داد که دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه از نظر فرآیند هویت‌یابی، زمان و حوزه‌های هویت‌یابی، همانند بودند و تفاوتی معنادار نشان ندادند. لمک و پیتون<sup>۵</sup> (۱۹۸۸)، در مطالعه‌ی گسترده برای بررسی متغیرهای احتمالی بش‌آیند هویت، تفاوت جنسی را در هویت‌یابی به دست نیاوردند. ولی با آزمون نقش جنسی، مشخص گردید که در هویت کسب‌شده، افراد در آزمون نقش جنسی نمره‌ی بالاتر در نقش جنسی مردانه و زنانه کسب کردند.

گراتونت و تربیک<sup>۶</sup> (۱۹۸۲)، در مطالعه‌ی خود نشان دادند که در هویت‌یابی، دو جنس با هم تفاوتی نداشتند ولی مقادیر ویژه‌گی مردانه‌گی یا زنانه‌گی در دو جنس با مقادیر هویت کسب‌شده رابطه‌ی معنادار نشان دادند. اسکو<sup>۷</sup> و ماریسیا (۱۹۹۱) پس از بررسی شماری از تفاوت‌های به‌دست‌آمده در رابطه با وضعیت هویت مردان و زنان، آن را برآمده از شیوه‌های متفاوت اجتماعی شدن در دو جنس دانستند. آرچر (۱۹۹۳) معتقد است که جریان تحول هویت در زنان به صورت حفظ روابط با دیگران است، در حالی که در مردان تحول هویت به صورت دوری از تسلط و حاکمیت دیگران صورت می‌پذیرد. پاترسون، سوچینگ<sup>۸</sup> و ماریسیا (۱۹۹۲) در رابطه با تفاوت وضعیت هویت‌یابی مردان و زنان اشاره می‌کنند که هویت کسب‌شده در مردان بین ۱۸ تا ۲۲ ساله‌گی و در زنان بین ۱۷ تا ۲۷ ساله‌گی به دست می‌آید. به نظر آن‌ها، در بیش‌تر زنان وظیفه‌ی تشکیل هویت تا از آب و گل در آمدن

1. Marcia
2. Diffusion, Foreclosure, Moratorium and Achieved Identities
3. Erikson
4. Archer
5. Lemke and Peyton
6. Grotevent and Thirbecke
7. Skoe
8. Patterson, Sochting

فرزندان طول می‌کشد. اسکو (۱۹۹۵) در مطالعه‌ی با پرسش‌نامه‌ی هویت خویشتن و پرسشنامه‌ی نقش جنسی نشان داد که در زنان احساس هویت با زنانه‌گی رابطه‌ی معکوس و با آندروژنی رابطه‌ی مستقیم دارد. این مطالعه نشان می‌دهد که عوامل اجتماعی و شیوه‌های اجتماعی شدن چه‌گونه با وضعیت هویت‌یابی رابطه دارد. به نظر چا<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) وقتی تأثیر جنسیت با دیگر عوامل اجتماعی مانند طبقه‌ی اجتماعی و نژاد ترکیب شود، شرایطی پیچیده‌تر ایجاد و تفاوت‌های دو جنس بیش‌تر می‌شود.

مقایسه‌ی دانش‌جویان دختر و پسر از نظر فرآیند هویت‌یابی نشان داد که دانش‌جویان دختر و پسر دانشگاه شهید چمران اهواز، به طور کلی و در ابعاد اعتقادی و روابط بین‌فردی یک‌سان و در ادامه‌ی مقایسه، در حوزه‌های هشت‌گانه‌ی فرعی هویت نیز در ۶ حوزه هم‌سان اند و تنها در حوزه‌های مذهب و معاشرت تفاوت دانش‌جویان دختر و پسر معنادار بود. مقایسه‌های تکمیلی نشان داد که هویت کسب‌شده در دانش‌جویان دختر در این دو حوزه بیش‌تر از پسران بود (امیدیان و شکرکن، ۱۳۸۱؛ شکرکن، امیدیان و هم‌کاران، ۱۳۸۰).

### بیان مسئله

این پژوهش برای پاسخ‌گویی به این پرسش انجام شده که آیا وضعیت هویت‌یابی دانش‌آموزان دختر و پسر همانند است؟ به عبارت دیگر، حالت‌های چهارگانه‌ی هویت سردرگم، زودهنگام، مهلت‌خواه و کسب‌شده در دختران و پسران مقطع پیش‌دانشگاهی که در سنین هویت‌یابی هستند همانند است یا نه؟ افزون بر این، در ابعاد اعتقادی و روابط بین‌فردی و حوزه‌های فرعی این ابعاد، دانش‌آموزان دختر و پسر مقایسه می‌شوند. بر اساس فرضیه‌های پژوهشی، پسران در بعد اعتقادی و حوزه‌های فرعی آن، یعنی مذهب، سیاست، شغل، فلسفه‌ی زندگی و ملی، در هویت‌های سطح بالا، یعنی هویت کسب‌شده و مهلت‌خواه برتر از دختران هستند و دختران در بعد روابط بین‌فردی و حوزه‌های فرعی آن یعنی نقش جنسی، معاشرت، دوستی، خانواده و اوقات فراغت، در هویت‌یابی بر پسران برتری دارند و در حالت هویت کسب‌شده و مهلت‌خواه جای می‌گیرند.

### اهمیت و ضرورت تحقیق

هویت‌یابی و فرآیند آن به عنوان یکی از مراحل مهم زندگی که توسط اریکسون (۱۹۶۸) مطرح شده، یکی از موضوعات مهم پژوهش دردهه‌های اخیر است. این موضوع در کشور ما که دارای جمعیتی جوان است اهمیتی ویژه دارد. از دیگر سو، با توجه به این که یکی از

مهم‌ترین نیازهای دوران رشد هویت‌یابی است. آگاهی ما از چه‌گونه‌گی هویت‌یابی و تفاوت‌های آن در دانش‌آموزان دختر و پسر، می‌تواند دانش ما و مسئولین فرهنگی کشور را درباره‌ی این ویژه‌گی جوانان افزایش دهد و موجب شود در برنامه‌ریزی‌ها مورد توجه قرار گیرد. از دیدگاه نظری، مقایسه‌ی تفاوت فرآیند هویت‌یابی در دو جنس و در مقایسه با مطالعات بین فرهنگی می‌تواند آگاهی ما را از فرآیند هویت‌یابی گسترش دهد.

### روش

آزمودنی‌های این پژوهش ۵۰۰ دانش‌آموز مقطع پیش‌دانشگاهی استان خوزستان بودند که به صورت تصادفی از میان تمامی دانش‌آموزان مشغول به تحصیل در مراکز پیش‌دانشگاهی دولتی استان خوزستان انتخاب شدند. از این تعداد، ۲۵۰ دانش‌آموز، دختر و ۲۵۰ دانش‌آموز، پسر بودند. انتخاب افراد به این صورت بود که ابتدا ۸ شهرستان به صورت تصادفی انتخاب شد. با توجه به بزرگ بودن ۲ شهر و کوچک بودن ۶ شهر دیگر، ۱۰۰ دانش‌آموز از هر شهر بزرگ و ۵۰ دانش‌آموز از هر شهر کوچک انتخاب شد. نیمی از دانش‌آموزان در هر شهر دختر و نیم دیگر پسر بودند.

### ابزار اندازه‌گیری

در این پژوهش، برای اندازه‌گیری هویت از آزمون تجدیدنظرشده‌ی اندازه‌های عینی هویت بنیون و آدامز<sup>۱</sup> (۱۹۸۶) استفاده شد که پیش‌تر در دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی اعتباریابی شده بود (امیدیان، ۱۳۸۲). فرم جدید اعتباریابی شده با آزمون بنیون و آدامز (۱۹۸۶) که پیش‌تر در دانشجویان دانشگاه شهید چمران اعتباریابی شده بود (امیدیان و شکرکن، ۱۳۸۱)، همبستگی مثبت و معنادار داشت. این ضرایب، در حالت‌های مختلف و بخش‌های مختلف آزمون، از ۰/۳۲۸ تا ۰/۷۰۸ و در سطح ۰/۰۱ و ۰/۰۰۱ معنادار بود. ضرایب به‌دست‌آمده برای دانش‌آموزان دختر و پسر جداگانه محاسبه شد که همه‌گی معنادار بود. با روش تحلیل عوامل تأییدی، چهار عامل استخراج شد که با پرسش‌های چهار حالت هویت رابطه داشت و همبستگی‌شان با پرسش‌ها از ۰/۲۲۰ تا ۰/۶۷۶ بود. ضرایب پایایی با روش آلفای کرون‌باخ برای هویت سردرگم ۰/۷۹، برای هویت زودهنگام ۰/۹۰، برای هویت مهلت‌خواه ۰/۷۰، و برای هویت کسب‌شده ۰/۷۱ بود. نتایجی نسبتاً هم‌سان برای دانش‌آموزان دختر و پسر به‌تفکیک به دست آمد.

## روش تحلیل داده‌ها

برای تحلیل داده‌ها، نمره‌های آزمودنی‌ها در چهار حالت هویت در دو جنس، به روش تحلیل واریانس یک‌راهه، با نرم‌افزار SPSS با هم مقایسه شد و وضعیت دو جنس با مقایسه‌ی میانگین در هر یک از حالت‌های چهارگانه مقایسه شد. با وجود امکان انجام تحلیل با آزمون  $t$ ، به دلیل برتری روش تحلیل واریانس (دلور، ۱۳۸۰) از روش آماری تحلیل واریانس استفاده شد.

## یافته‌ها

برای مقایسه‌ی دانش‌آموزان دختر و پسر در حالت‌های چهارگانه‌ی هویت، نمره‌های کلی هویت در این چهار حالت در دو جنس با هم مقایسه شد (جدول ۱). هم‌چنان که دیده‌می‌شود، تفاوت نمره‌ی هویت سردرگم در دانش‌آموزان دختر و پسر معنادار است. در این حالت، مقایسه‌ی میانگین دانش‌آموزان دختر ( $\bar{x} = ۵۳/۶۱$  /  $\sigma = ۱۰/۵۷$ ) با میانگین دانش‌آموزان پسر ( $\bar{x} = ۵۷/۱۷۶$  /  $\sigma = ۱۲/۱۷$ ) معنادار بودن برتری دانش‌آموزان پسر را در حالت هویت سردرگم تأیید نمود.

جدول ۱- نتایج تحلیل واریانس یک‌راهه روی نمره‌های حالت‌های چهارگانه‌ی هویت در دو جنس

حالت هویت	مقایسه	جمع مجذورها	درجه‌ی آزادی	میانگین مجذورها	F	سطح معناداری
سردرگم	بین گروه	۸۱۶/۵۶۲	۱	۸۱۶/۵۶۲	۶/۲۸۱	۰/۰۱۳
	درون گروه	۶۴۲۳۶/۷۹۳	۳۹۴	۱۳۰/۰۱۴		
	کل	۶۵۰۴۲/۳۵۵	۴۹۵			
زودهنگام	بین گروه	۲/۱۵۹	۱	۲/۱۵۹	۰/۰۱۰	۰/۹۲۱
	درون گروه	۱۰۸۵۸۵/۷۰	۴۹۳	۲۲۰/۲۵۵		
	کل	۱۰۸۵۸۷/۸۶	۴۹۴			
مهلت‌خواه	بین گروه	۱۱۵/۱۷۹	۱	۱۱۵/۱۷۹	۰/۹۰۸	۰/۳۴۱
	درون گروه	۶۲۶۵۹/۸۱۹	۴۹۴	۱۲۶/۸۲۲		
	کل	۶۳۷۷۴/۹۹۸	۴۹۵			
کسب‌شده	بین گروه	۱۱۸/۱۷۳	۱	۱۱۸/۱۷۳	۰/۹۷۷	۰/۲۲۴
	درون گروه	۵۹۹۰۰/۹۲۲	۴۹۵	۱۲۱/۰۱۲		
	کل	۶۰۰۱۹/۰۹۵	۴۹۶			

در بعد هویت اعتقادی، نتایج تحلیل واریانس تفاوتی معنادار را در هیچ یک از حالت‌های هویت نشان نداد (جدول ۲).

جدول ۲- نتایج تحلیل واریانس یک‌راهه روی نمره‌های حالت‌های چهارگانه‌ی هویت در دو جنس در بعد اعتقادی

حالت هویت	مقایسه	جمع مجذورها	درجه‌ی آزادی	میانگین مجذورها	F	سطح معناداری
سردرگم	بین گروه	۱/۸۰۱	۱	۱/۸۰۱	۰/۰۲۲	۰/۸۳۸
	درون گروه	۲۱۲۵۷/۸۰۴	۴۹۴	۴۳/۰۳۲		
	کل	۲۱۲۵۹/۶۰۵	۴۹۵			
زودهنگام	بین گروه	۸۷/۹۳۸	۱	۸۷/۹۳۸	۱/۴۴۳	۰/۲۳۰
	درون گروه	۳۰۰۴۰/۲۹۶	۴۹۲	۶۰/۹۳۴		
	کل	۳۰۱۲۸/۲۳۴	۴۹۴			
مهلت‌خواه	بین گروه	۵۸/۹۹۱	۱	۵۸/۹۹۱	۱/۴۶۹	۰/۲۲۶
	درون گروه	۱۹۸۳۳/۹۳۷	۴۹۴	۵۸/۹۹۱		
	کل	۱۹۸۹۲/۹۳۷	۴۹۵	۴۰/۱۵۲		
کسب‌شده	بین گروه	۸۱/۷۰۸	۱	۸۱/۷۰۸	۲/۳۰۲	۰/۱۳۰
	درون گروه	۱۷۵۳۱/۳۸۱	۴۹۴	۲۵/۴۸۹		
	کل	۱۷۶۱۳/۰۸۹	۴۹۵			

در بعد روابط بین‌فردی نیز، نتایج تحلیل واریانس نشان داد که هویت سردرگم در دانش‌آموزان دختر و پسر با هم تفاوت معنادار دارند. در حالت‌های دیگر این بعد تفاوتی معنادار در دو جنس دیده‌نشد. میانگین دانش‌آموزان دختر ( $\bar{x} = ۲۶/۶۴$  /  $\sigma = ۵/۶۲$ )، به صورت معنادار از میانگین پسران ( $\bar{x} = ۲۹/۰۹$  /  $\sigma = ۷/۲۸$ ) کم‌تر بود (جدول ۳).

جدول ۳- نتایج تحلیل واریانس یک‌راهه روی نمره‌های حالت‌های چهارگانه‌ی هویت در دو جنس در بعد روابط بین‌فردی

حالت هویت	مقایسه	جمع مجذورها	درجه‌ی آزادی	میانگین مجذورها	F	سطح معناداری
سردرگم	بین گروه	۷۴۱/۶۶۶	۱	۷۴۱/۶۶۶	۱۷/۴۸۳	۰/...
	درون گروه	۲۰۹۵۶/۵۸۴	۴۹۴	۴۲/۴۲۲		
	کل	۲۱۶۹۸/۲۵۰	۴۹۵			
زودهنگام	بین گروه	۶۱/۴۲۳	۱	۶۱/۴۲۳	۰/۹۰۶	۰/۳۳۲
	درون گروه	۳۳۵۱۰/۰۲۶	۴۹۴	۶۷/۸۳۴		
	کل	۳۳۵۷۱/۴۵۰	۴۹۵			
مهلت‌خواه	بین گروه	۹/۳۱۲	۱	۹/۳۱۲	۰/۲۲۶	۰/۶۳۵
	درون گروه	۲۰۲۴۰/۱۳۷	۴۹۴	۴۱/۱۷۴		
	کل	۲۰۳۴۹/۴۵۰	۴۹۵			
کسب‌شده	بین گروه	۳۳/۳۰۱	۱	۳۳/۳۰۱	۱/۰۵۵	۰/۳۰۵
	درون گروه	۱۵۵۹۲/۴۴۱	۴۹۴	۳۱/۵۶۴		
	کل	۱۵۶۲۵/۷۴۲	۴۹۵			

در حوزه‌های فرعی بعد اعتقادی، نتایج تحلیل واریانس معناداری تفاوت را تنها در هویت‌های سردرگم و زود هنگام و هویت‌های زود هنگام و کسب‌شده در حوزه‌ی ملیت، و هویت سردرگم در حوزه‌ی مذهب نشان داد و حالت‌های هویت دیگر در حوزه‌های فرعی بعد اعتقادی باهم تفاوت معناداری نداشت (جدول ۴).

جدول ۴- نتایج تحلیل واریانس یک‌راهه روی نمره‌های حالت‌های سردرگم مذهبی، زود هنگام ملی، کسب‌شده ملی و سردرگم سیاسی و زود هنگام سیاسی

حوزه	حالت هویت	مقایسه	جمع مجذورها	درجه‌ی آزادی	میانگین مجذورها	F	سطح معناداری
مذهب	سردرگم	بین گروه	۲۳/۵۳۵	۱	۲۳/۵۳۵	۴/۶۲۷	۰/۰۳۱
		درون گروه	۲۳۹۸/۴۰۹	۴۹۶	۵/۰۳۷		
		کل	۲۵۲۱/۹۴۴	۴۹۷			
ملیت	زود هنگام	بین گروه	۴۸/۵۷۵	۱	۴۸/۵۷۵	۸/۹۹۱	۰/۰۰۳
		درون گروه	۲۶۷۴/۲۱۰	۴۹۵	۵/۴۰۲		
		کل	۲۷۲۲/۷۸۵	۴۹۶			
	کسب‌شده	بین گروه	۳۰/۴۵۹	۱	۳۰/۴۵۹	۶/۳۱۸	۰/۰۱۲
		درون گروه	۲۳۸۶/۵۳۳	۴۹۵	۴/۸۲۱		
		کل	۲۴۱۶/۹۸۲	۴۹۶			
سیاست	سردرگم	بین گروه	۴۷/۶۷۵	۱	۴۷/۶۷۵	۹/۹۷۴	۰/۰۰۲
		درون گروه	۲۳۶۶/۰۳۵	۴۹۵	۴/۷۸۰		
		کل	۲۴۱۳/۷۱۰	۴۹۶			
	زود هنگام	بین گروه	۵۲/۹۳۰	۱	۵۲/۹۳۰	۹/۸۵۷	۰/۰۰۲
		درون گروه	۲۶۵۷/۹۸۳	۴۹۵	۵/۲۷۰		
		کل	۲۷۱۰/۹۱۳	۴۹۶			

هم‌چنان که دیده‌می‌شود در حوزه‌ی مذهب سردرگم، میانگین پسران ( $\bar{x} = ۴/۱۵$  /  $\sigma = ۲/۵۸$ ) در مقایسه با دختران ( $\bar{x} = ۳/۷۲$  /  $\sigma = ۱/۸۴$ ) نشان‌گر برتری معنادار بود. در ملیت زود هنگام، دختران ( $\bar{x} = ۹/۵۹$  /  $\sigma = ۲/۰۷$ ) بر پسران ( $\bar{x} = ۸/۹۶$  /  $\sigma = ۲/۵۵$ ) برتری داشتند. در ملیت کسب‌شده نیز دختران ( $\bar{x} = ۹/۲۶$  /  $\sigma = ۱/۸۷$ ) از پسران ( $\bar{x} = ۸/۷۶$  /  $\sigma = ۲/۴۷$ ) برتر بودند.

در حوزه‌ی سیاست، تفاوت دانش‌آموزان دختر و پسر در حالت سردرگم و زود هنگام معنادار است. میانگین هویت زود هنگام دانش‌آموزان دختر ( $\bar{x} = ۵/۲۹$  /  $\sigma = ۱/۹۰$ ) و پسر ( $\bar{x} = ۵/۶۲$  /  $\sigma = ۲/۲۰$ ) نشان‌گر برتری معنادار پسران است. در حالت سردرگم اما دختران ( $\bar{x} = ۷/۲۹$  /  $\sigma = ۲/۰۵$ ) بر پسران ( $\bar{x} = ۶/۶۷$  /  $\sigma = ۲/۳۱$ ) برتری معنادار دارند. در حوزه‌های اعتقادی، تنها برتری دختران در هویت سردرگم حوزه‌ی سیاست هم‌سو با فرضیه‌های پژوهش بود و در موارد دیگر با فرضیه‌ها هم‌آهنگ نبود.

در حوزه‌های فرعی بعد روابط بین‌فردی نیز، با استفاده از تحلیل واریانس تفاوت دانش‌آموزان دختر و پسر در حالت‌های چهارگانه در هر حوزه بررسی شد و بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، در حوزه‌ی معاشرت در حالت هویت سردرگم، در حوزه‌ی نقش جنسی در حالت‌های سردرگم، زود هنگام و کسب‌شده، در حوزه‌ی اوقات فراغت در حالت سردرگم، و در حوزه‌ی دوستی در حالت مهلت‌خواه تفاوت نمره‌ی دانش‌آموزان دختر و پسر معنادار بود (جدول ۵).

جدول ۵- نتایج تحلیل واریانس یک‌راهه روی نمره‌های حالت‌های سردرگم در حوزه‌ی معاشرت، سردرگم، زود هنگام و کسب‌شده در حوزه‌ی نقش جنسی، سردرگم در حوزه‌ی اوقات فراغت و مهلت‌خواه در حوزه‌ی دوستی

حوزه	حالت هویت	مقایسه	جمع مجزورها	درجه‌ی آزادی	میانگین مجزورها	F	سطح معناداری
معاشرت	سردرگم	بین گروه	۶۶/۹۵۹	۱	۶۶/۹۵۹	۱۴/۸۶۵	/۰۰۰
		درون گروه	۲۲۳۴/۲۳۵	۴۹۶	۴/۵۰۵		
		کل	۲۳۰۱/۲۰۵	۴۹۷			
	سردرگم	بین گروه	۲۸/۲۵۱	۱	۲۸/۲۵۱	۷/۷۴۳	/۰۰۶
		درون گروه	۱۸۰۵/۹۹۵	۴۹۵	۳/۶۴۸		
		کل	۱۸۳۴/۲۴۵	۴۹۶			
نقش جنسی	زود هنگام	بین گروه	۶۰/۶۳۱	۱	۶۰/۶۳۱	۱۳/۴۷۹	/۰۰۰
		درون گروه	۲۲۲۶/۲۲۰	۴۹۵	۴/۴۹۷		
		کل	۲۲۸۶/۸۴۱	۴۹۶			
	کسب‌شده	بین گروه	۲۹/۴۰۲	۱	۱۳/۴۳۷	۳/۰۵۰	/۰۸۱
		درون گروه	۲۲۳۱/۷۰۹	۴۹۵	۴/۴۰۶		
		کل	۲۲۶۱/۱۱۱	۴۹۶			
اوقات فراغت	سردرگم	بین گروه	۳۱/۱۱۴	۱	۳۱/۱۱۴	۷/۰۳۹	/۰۰۸
		درون گروه	۲۱۹۲/۳۹۶	۴۹۶	۴/۴۲۰		
		کل	۲۲۲۳/۵۱۰	۴۹۷			
دوستی	مهلت‌خواه	بین گروه	۲۰/۲۲۲	۱	۲۰/۲۲۲	۴/۰۹۷	/۰۴۴
		درون گروه	۲۴۴۳/۴۶۰	۴۹۵	۴/۶۳۶		
		کل	۲۴۶۳/۶۸۲	۴۹۶			

هم‌چنان که دیده‌می‌شود، در حوزه‌ی معاشرت در حالت سردرگم پسران ( $\bar{x} = ۴/۷۱$ ) / ( $\sigma = ۲/۳۱$ ) بر دختران ( $\bar{x} = ۳/۹۸$  /  $\sigma = ۱/۹۱$ ) برتری دارند.  
 در حوزه‌ی نقش جنسی، در حالت‌های سردرگم و زود هنگام، پسران ( $\bar{x} = ۵/۷۴$ ) / ( $\sigma = ۱/۹۷$  و  $\bar{x} = ۶/۱۶$  /  $\sigma = ۲/۰۹$ ) از دختران ( $\bar{x} = ۵/۲۶$  /  $\sigma = ۱/۸۵$  و  $\bar{x} = ۵/۴۵$ ) / ( $\sigma = ۲/۱۵$ ) به صورت معناداری بالاتر بودند؛ ولی در حالت کسب‌شده، دختران ( $\bar{x} = ۷/۵۴$ ) / ( $\sigma = ۲/۱۹$ ) بر پسران ( $\bar{x} = ۷/۰۵$  /  $\sigma = ۲/۰۶$ ) برتری داشتند.



در حوزه‌ی اوقات فراغت، نمره‌ی هویت سردرگم دانش‌آموزان پسر (  $\bar{x} = ۷/۶۲$  /  $\sigma = ۲/۲۴$  ) بالاتر از دختران (  $\bar{x} = ۷/۱۳$  /  $\sigma = ۱/۹۶$  ) بود. در حوزه‌ی دوستی و در هویت مهلت‌خواه، دختران (  $\bar{x} = ۸/۰۵$  /  $\sigma = ۲/۰۵$  ) بر پسران (  $\bar{x} = ۷/۶۵$  /  $\sigma = ۲/۴۷$  ) برتری دارند. ناگفته نماند که با توجه به توان بالاتر آزمون‌های پارامتریک، تفاوت‌های معنادار بیش‌تری در این روش‌ها دیده‌شد که در حوزه‌های روابط بین‌فردی هم‌سو با فرضیه‌های پژوهش بود.

### بحث

نتایج این پژوهش، تا حدودی با نتایج پژوهش انجام‌شده در دانشجویان (شکرکن، امیدیان و همکاران، ۱۳۸۰) همانند است. به طور کلی، پسران و دختران وضعیت هویت‌یابی همانندی دارند و تنها در مواردی جزئی با هم متفاوت اند. در هویت کلی و در بعد روابط بین‌فردی، پسران سردرگمی بیش‌تری دارند؛ و در سایر حالت‌ها تفاوت دو جنس معنادار نیست. به نظر می‌رسد که نمره‌ی بالای هویت سردرگم در بعد روابط بین‌فردی، بر نمره‌ی کلی هویت که از جمع دو بعد به دست می‌آید اثر گذارده‌است. این موضوع که هویت‌یابی دختران در این بعد از پسران بهتر است با این نتیجه اثبات گردید. در حوزه‌های فرعی هویت‌یابی، در بعد روابط بین‌فردی، پسران در نمره‌های هویت سردرگم و زودهنگام (دو حالت پائین) بر دختران برتری داشتند. در بعد روابط بین‌فردی، دختران تنها در حوزه‌ی سیاست وضعیت هویت پائین‌تری داشتند. در حوزه‌های مذهب، هم‌چون پژوهش پیشین. محقق، دختران هویت‌یابی بهتری داشتند. در مورد ملیت نیز، نتیجه همانند بود. این یافته‌ها با یافته‌های پژوهش امیدیان و شکرکن (۱۳۸۱)، و شکرکن و امیدیان (۱۳۸۰) هم‌سو، و با یافته‌های برخی محققان غربی مانند آرچر (۱۹۸۹) و ماریسا (۱۹۶۶) که فرآیند هویت‌یابی در دو جنس را مشابه می‌دانند، متفاوت است. به علاوه، این نتایج با دیدگاه اریکسون (۱۹۶۸)، چا (۲۰۰۱) و اسکو و ماریسا (۱۹۹۱) از نظر موضوع تفاوت هویت‌یابی دو جنس هم‌خوانی دارد؛ ولی بر خلاف نظر آن‌ها، هویت کسب‌شده در کشور ما در دختران زودتر ظاهر می‌شود. در موضوعی مانند ملیت، دیدگاه آرچر که می‌گوید هویت زنان در رابطه با دیگران شکل می‌گیرد تأیید می‌شود و نمره‌ی دختران در هویت زودهنگام بیش‌تر از پسران است.

این تفاوت شاید به دلیل برخوردها، انتظارات و رفتارهای متفاوتی باشد که در جامعه نسبت به دو جنس و در حوزه‌های مختلف وجود دارد. نتایج به‌دست‌آمده، از یک سو نشان می‌دهد که هویت‌یابی تحت تأثیر شرایط فرهنگی و اجتماعی قرار می‌گیرد، و از دیگر سو،

نشان می‌دهد که موضوع هویت‌یابی در پسران باید با بررسی دقیق‌تر ریشه‌یابی شود. بی‌شک، برنامه‌ریزی فرهنگی برای کمک به هویت‌یابی جوانان و به ویژه پسران، ضرورتی انکارناپذیر است.

به نظر ماریسا (۱۹۸۹) یکی از بهترین روش‌های کمک به تحول هویت، برنامه‌ریزی برای جست‌وجوگری و شکل‌گیری تعهد به عنوان دو عنصر ضروری در هویت‌یابی است. در این باره، لازم است تا با نگرش به دوران نوجوانی به عنوان دوره‌ئی برای تجربه و خطا، و نادیده گرفتن خطای نوجوانان به تعبیر اریکسون (۱۹۶۸)، تجاربی غنی برای انتخاب‌های درست آنان فراهم کرد و با محترم شمردن حق انتخاب آن‌ها و رویارو کردن آن‌ها با مسئولیت‌های برآمده از انتخاب‌شان، به شکل‌گیری تعهد در آنان کمک کنیم.

در این باره، به نظر می‌رسد به پژوهش‌هایی بیشتر، به‌ویژه به صورت آزمایشی نیاز باشد. به علاوه، یافته‌های این پژوهش درباره‌ی هویت‌یابی، می‌تواند برای مسئولان فرهنگی و اجتماعی برای برنامه‌ریزی‌های مربوط به جوانان سودمند باشد.

## منابع

- امیدیان، م. (۱۳۸۱). بررسی حالت‌های هویت در ابعاد اعتقادی و روابط بین‌فردی و تفاوت آن‌ها در متغیرهای وابسته‌ی برگزیده در دانش‌جویان دختر و پسر دانشگاه شهید چمران اهواز. [پایان‌نامه‌ی دکتری]. دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- شکرکن، ح، امیدیان، م، و هم‌کاران. (۱۳۸۰). بررسی حالت‌های هویت در ابعاد اعتقادی و روابط بین‌فردی و تفاوت آن‌ها در متغیرهای وابسته‌ی برگزیده در دانش‌جویان دختر و پسر دانشگاه شهید چمران اهواز. مجله‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱ و ۲ (دوره‌ی ۳، سال ۸)، ۷۳-۹۸.
- دلاور، ع. (۱۳۸۰). احتمالات و آمار کاربردی در روان‌شناسی و علوم تربیتی. چاپ پنجم. انتشارات رشد.
- Archer, S. (1989). *A Reflective Methodology to Assess Identity and Intimacy Formation: A Study of Divorced Woman*. [Under Editorial Review].
- Archer, S. (1993). Multiple group identities: Differentiation, conflict and integration. In J. Kroger (Ed.). *Discussion on Ego Identity*. (pp. 73-99). NJ, Erlbaum: Hillsdale.
- Bennion, L. D., & Adams, G. R. (1986). A revision of the extended version of the objective measure of ego identity status: An identity instrument for use with late adolescent. *Journal of Adolescent Research*, 2(1), 183-196.
- Chac, M. H. (2001). Gender and ethnicity in identity formation. *The New Jersey Journal of professional counseling*, (56) 17-23.
- Erikson, E. H. (1968). *Identity: Youth and Crisis*. New York: W. W. Norton and Company Inc.
- Grotevant, H. D., & Thirbecke, W. L. (1982). Sex difference in style of occupational identity formation in late adolescence. *Developmental Psychology*, 3(18) 396-405.
- Lemke, L. K., & Peyton, K. G. (1988). Adolescent sex-role orientation and ego identity. *Journal of Adolescence*, 11, 205-215.
- Marcia, J. E. (1966). Development and validation of ego identity status. *Journal of Personality and Social Psychology*, 3, 551-558.
- Marcia, J. (1989). Identity and interventions. *Journal of Adolescence*, 12, 401-410.
- Patterson, S., Sochting, L., & Marcia, J. (1992). The inner space and beyond: Women and identity. In G. Adams, T. Gulotta, & R. Montemayor (Eds.). *Adolescent Identity Formation* (pp. 9-24). Newbury Park, CA: Sage.
- Skoc, E., & Marcia, J. (1991). A measure of care-based morality and its relation to ego identity. *Merrill-Palmer Quarterly*, 73, 289-303.
- Skoc, E. (1995). Sex role orientation and relationship to the development of moral thought. *Scandinavian Journal of Psychology*, 3(36), 235-245.
- Tzuricel, D. (1984). Sex role typing and ego identity in Israeli, oriental and western adolescent. *Journal of Personality and Social Psychology*, 2(46), 440-457.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی